

﴿بارب﴾

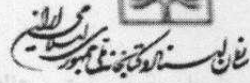
در کوثر طاعتِ توجایِ نِزدم
از معذرتِ خویش کلامی نِزدم

باربِ به ره رضاتِ گامی نِزدم
ناگفتنی آن چه بُد به دورانِ گفتم

سلطانُ الذّاکرین

زندگانی و آثارِ مراجعِ ملاً حسین خلیفه (دزفولی)

احمد لطیف پور



اقتصادیات
اقتصادیات

نشانی الکترونیکی : eqlime_qalam@yahoo.com

(مق چاپ محفوظ است)

عنوان

صفحه

۵	فهرست.....
۷	تقریظ استاد دکتر محمدرضا سنگری.....
۱۰	گفتار مؤلف.....
۱۳	حاج ملا حسین خلیفه؛ از ولادت تا جوانی.....
۱۹	ترک شهر و دیار.....
۲۴	تألیف و چاپ کتاب دائرة المعارف موسیقی در هندوستان.....
۲۹	تألیف و چاپ کتاب مخزن الدرر در هندوستان.....
۳۰	دیباچه کتاب «رن الدرر».....
۳۹	ترجیع بندی اندر نصیحت.....
۴۱	همراهی با کاروان حاملا بسند مشایخ الدوله در راه مشهد مقدس.....
۴۴	تقارن عاشورای حسینی با نه روز بادتانی.....
۴۶	ترور ناصرالدین شاه قاجار و سر با دانه مرحوم خلیفه.....
۴۹	اظهار حال پر ملال.....
۵۰	بروز بیماری ویا در دزفول.....
۵۱	اشعار مرحوم خلیفه به گویش ها و لهجه های.....
۵۲	در اوج سادگی.....
۵۳	شاعرانی که اشعارشان در مخزن الدرر آمده است.....
۵۳	مرحوم آقا سید عبدالکریم شاهرکی.....
۵۵	مرحوم آقا شیخ محمدرضا [مُعزّی] دزفولی.....
۵۷	مرحوم آقا شیخ محمدحسن [مُعزّی] دزفولی.....
۶۰	مرحوم آقا شیخ محمدباقر [مُعزّی] دزفولی.....
۶۲	اشعاری از مرحوم سیدمحمدباقر در رثای حضرت زهرا (س).....
۶۳	مرحوم آقا شیخ عبدالحسین [مُعزّی] دزفولی.....
۶۴	نمونه هایی از اشعار مرحوم شیخ عبدالحسین.....
۶۵	بخشی از رساله ازاحة الشکوک مرحوم شیخ عبدالحسین.....
۶۸	مرحوم حاج مولی 'محمدرشید ضیائی دزفولی.....
۷۵	اخلاص ضیائی دزفولی؛ شاعر متقی.....
۷۶	روش کار مرحوم ضیائی دزفولی.....

۷۷	ویژگی و آثار عشاق.....
۷۸	مرحوم ملا صالحا.....
۸۱	روایت معترترین روحانی دزفولی از مرحوم خلیفه.....
۸۲	مرحوم آقا سید محمد باقر شوشتری.....
۸۸	مرحوم آقا فتح الله وفانی شوشتری.....
۸۹	غدیریة وفانی شوشتری.....
۹۰	مرحوم آقا حاج سید حسین فارغ دزفولی.....
۹۲	شکوه از ناکار فلک.....
۹۳	زبان حال روان اُسرای کربلا در بازگشت به مدینه.....
۹۳	وداع مردم متدین و منیر با ماه مبارک رمضان.....
۹۷	تألیف و چاپ کتاب تذکرة الابرار.....
۱۰۴	دو خطبه در وصف امیر مومنان؛ علی بن ابی طالب (ع).....
۱۰۷	نوحه ای به مناسبت عاشوراء حسین.....
۱۰۹	خطبه ای در مدح حضرت صدیقه طاهره (س).....
۱۱۳	خطبه ای در مدح حضرت زینب (س).....
۱۱۳	شکوه ها از جور چرخ بی حساب.....
۱۱۵	خطبه و قصیده ای در وصف علمدار کربلا؛ ابوالفضل العباس (ع).....
۱۱۸	چگونگی انتخاب مرحوم خلیفه به منصب خلیفه الذاکرین.....
۱۱۹	پیمان نامه مداحان و ذاکران دزفول در انتخاب مرحوم خلیفه.....
۱۲۲	پیمان نامه علماء، سادات، ذاکران و مداحان دزفول.....
۱۲۸	مرحوم خلیفه: استادی بی نظیر در انشاد اشعار در قالب ترجیع بند.....
۱۳۳	نوحه در بحر طویل از حاج ملا حسین خلیفه.....
۱۳۷	خطبه ای در مدح امام هشتم؛ حضرت علی بن موسی الرضا (ع).....
۱۳۹	ابوتراب جلی؛ فرزند خلف ملا حسین خلیفه.....
۱۴۰	نمونه هایی از سروده های مرحوم ابوتراب جلی.....
۱۳۱	پسر کو ندارد نشان از پدر.....
۱۴۳	فهرست اعلام (اشخاص).....
۱۴۶	فهرست اعلام (مکان ها).....
۱۴۸	منابع مأخذ.....
۱۵۰	زندگینامه مؤلف کتاب.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«...الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ...»

(اعراف، ۴۳) (سپاس و ستایش ویژه خداوندی است که اگر هدایت و راهنمایی حضرتش در این راه نبود، ما هرگز راه را نمی یافتیم و موفق به انجام چنین کاری نمی شدیم).

در خصوص وجاهت نوحه سرایی بر ائمه اطهار و بزرگان دین، روایات و احادیثی نقل شده است که دیلاً به گوشه ای از این روایات و احادیث اشاره می شود: پیامبر(ص) به جمعی از انصار که برای «یهدا» حو در جنگ أحد گریه می کردند، فرمودند: عمویم حمزه، گریه کننده ندارد و خود حضرت ز گ بستند. حضرت با این عمل هم گریه و نوحه خانواده شهدا را تأیید کردند و هم تلویحاً دستور دادند که بر عمویش؛ حمزه نیز گریه کنند. شیخ صدوق از امام باقر(ع) روایت کرده است که آن حضرت وصت کرد ده سال در موسم حج در منا برای او گریه و نوحه سرایی کنند و رسم ماتم را تجدید نمایند. بر مظلومیت آن حضرت بگریند. محدثی در کتاب «فرهنگ عاشورا» به نوحه خوانی امامان(ع) بر سید الشهداء(ع) اشاره کرده است. همچنین در تاریخ صدر اسلام آمده است که بر جعفر طیار و حمزه سیدالشهداء نیز نوحه خوانی شد...

گرچه از آغاز پیدایش شعر فارسی تا قرن «ستم هجری، مرثیه در قالب قصیده سروده می شد؛ اما با به قدرت رسیدن حکومت صفویه اثر سرایی در قالب «ترکیب بند» در ایران رایج گردید و متعاقب آن با اوج گیری مرثیه سرایی مذهبی شده های دیگری در حوزه مرثیه مذهبی؛ یعنی نوحه خوانی و مقتل خوانی به صورت منظوم در قالب «مثنوی» معمول گردید. در یک قرن اخیر هم به دلیل انقلابات و خیزش های مردمی، شاعران مامنه آئینی - مذهبی را با مضامین اجتماعی - سیاسی تلفیق کردند و نوع دیگری از مرثیه سرایی - وسم به مرثیه وطنی - اجتماعی ابداع کردند که نقش مرثیه را از حد سوگ و سوگواری به بیداری مردم به عنوان یک وظیفه سیاسی - اجتماعی ارتقاء بخشید. در واقع نوحه سرایی، انشاد نوعی از اشعار غیر رسمی و نوعی از مرثیه مذهبی است که به شیوه ای خاص در مجالس سوگواری حضرت سیدالشهداء؛ امام حسین(ع) همراه با مراسم سینه زنی خوانده می شود. نخستین نوحه ها در دوره قاجاریه شکل گرفت. در دیوان صباحی بیدگلی (متوفای ۱۲۱۸ هجری شمسی) قصیده ای وجود دارد که از نظر آهنگ بی شباهت به نوحه نیست. از این نظر بعضی آن را نخستین نوحه ضبط شده دانسته اند. میرزا ابوالحسن یغمای جندقی (متوفای ۱۲۷۶ هجری قمری)؛ نخستین شاعری است که بخشی از دیوانش به نوحه اختصاص یافته است. شیوه یغما در نوحه سرایی ابداعی است. وی مرثیه

را در اوزانِ جدید ریخته و آن را نوحهٔ سینه‌زنی یا سنگ‌زنی نامیده است. در قرن دهم هجری، در عهد سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیر نوایی، مولی^۱ حسین بن علی واعظ کاشفی، کتابی به نام «روضه الشهداء» در تاریخ زندگانی و شهادت و مصائب اهل بیت - علیهم السلام - بویژه امام حسین (ع) نوشت. از آن جایی که این کتاب به فارسی نوشته شده بود به زودی شهرتی پیدا کرد و در ایام سوگواری امام حسین (ع) در مجالس سوگواری از روی آن عیناً می خواندند. خوانندگان این کتاب در مجالس به «روضه الشهداء خوان» شهرت یافتند. بعدها به مرور زمان و کثرت استعمال، کسانی را که از این کتاب در مجالس سوگواری می خواندند، «روضه خوان» می گفتند و کلمه «روضه» را بر ذکر مصیبت اطلاق نمودند. گفتنی است که روضه به نثر و در مقابل تعزیه و نوحه است که نظم است.

اما در دوران قاجار به این طرف، مرثیه سرایان و ذاکران بنام و نام آشنایی از دزفول با انجام روضه خوانی و مرثیه سرایی در ذکر مصیبت خاندان عصمت و طهارت، نام خود را در تاریخ این دیار ماندگار نمودند. بودند که از آن میان می توان به افراد شاخصی همچون: حاج مولی^۱ نصرالله تراب دزفولی از «ماکریان» برجسته خاتم الفقهاء و المجتهدین؛ حاج شیخ مرتضی^۱ انصاری - اعلی الله مقامه الشریف -، حاج مولی^۱ محمدرشید ضیائی دزفولی، حاج ملا عباس مثنوی؛ مشهور به سلطان الذاکرین - حاج ملا ولی^۱ (ذاکرحاجی) در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار و سرانجام حاج ملا حسین خلیفه، متأثر به القابی چون: خلیفه الذاکرین، رئیس الذاکرین و سلطان الذاکرین در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار است که در کتاب حاضر به بررسی زندگانی و آثار این ذاکر بی بی - مرت اباعبدالله الحسین (ع) خواهیم پرداخت. همانگونه که در صفحات آتی این کتاب خواهیم دید خوانندی مرحوم حاج ملا حسین خلیفه در انشاد اشعار فارسی و عربی در مفاهیم و قالب های مختلف قصیده تا ترکیب بند و ترجیع بند، بحر طویل و رباعی و ... و در مفاهیمی در ذکر مصیبت ائمه اطهار، نصیحت، پند و اندرز و گاه در هجو ستمگران زمانه، ستودنی و کم نظیر است... خطبه های عربی آن مرحوم با سجع های موزون و به کارگیری واژه ها و جملات آهنگین، گواه استادی آن مرحوم در فن خطابه است و در نهایت آشنایی و تسلط آن مرحوم بر ردیف ها و مقامات موسیقی ایرانی سبب شده بود که ذاکران و راثیان روزگار وی، سروده هایش را که توسط خود ایشان با آهنگی متناسب تنظیم شده بود، به راحتی در محافل و مجالس بخوانند و مردم را به فیض برسانند. در مجموع همین ویژگی های منحصر به فرد حاج ملا حسین خلیفه در زمان حیاتش سبب شده بود تا همگان به استادی آن مرحوم، معترف و وی را به عنوان «سلطان الذاکرین» بر خود مقدم بدانند.

جالب اینجاست که از لابه لای سطور دستنوشته ها و سروده های مرحوم حاج ملا حسین

خلیفه، گاه به تاریخ اقامت آن مرحوم در شهرهایی از کشور عزیزمان؛ ایران همچون: تهران و مشهد و یا مناطقی مانند العماره در خاک عثمانی آن روزگار و بنادری چون بمبئی در هندوستان آگاهی پیدا کنیم و یا به برخی نکات و رویدادهایی تاریخی و یا اوضاع سیاسی - اجتماعی دیار ماندگارمان؛ دارالمؤمنین - دزفول - بر می خوریم که بدون تردید توصیف و بیان آن برای خوانندگان عزیز تا سالیان سال خواندنی و قابل تأمل خواهد بود... شگفتا که آن مرحوم هم چون دیگر شاعران بزرگ این دیار، گریزان از جور و جفای زمانه با ترک موطن خود هر از چندگاهی رحل اقامت در شهر و دیار دیگری افکنده و گاه جلای وطن نموده و دیر زمانی در سرزمین هایی همچون هندوستان و عتبات عالیات و العماره از توابع امپراتوری وقت عثمانی ماندگار شده تا جایی که نه بستگانش در دزفول از حیات او قطع امید کرده و برای کسب خبری از وی رنج سفر را به دیار غربت - جبر - می خریدند.

نخستین داد از سنگار: مرحوم حاج ملا حسین خلیفه که شرح زندگی آن مرحوم را به رشته تحریر کشیده و پس از دکتیر در اختیار خاندان خود گذاشته، زنده یاد حاج محمدکاظم بدیعی است و بزرگوارانی همچون مرحوم حاج سیدموسی عالمشاه و مرحوم حاج سیدحسین حجازی به جمع آوری و چاپ بخشی از آثار آن مرحوم در قالب کتاب «تحفه الابرار» همت گماردند و البته قبل از این بزرگواران، مرحوم حاج سیخ ابوالحسن الحائری الشیرازی ملقب به ملک الکتاب در بندر بمبئی هندوستان کتاب دیگری از آن مرحوم را تحت عنوان «مخزن الدرر» که حاوی اشعاری از ایشان و تنی چند از شعرای دزفول و شوشتر بود، به زیور طبع آراسته کرده بود؛ گرچه تا کنون از دیگر کتابش به نام «دائرة المعارف فی الموسیفی» اثری به دست نیامده است.

برخود فرض می دایم از ارشادات و راهنمایی های عالمانه استاد بزرگوارم؛ جناب آقای دکتر محمدرضا سنگری - که به حق از مفاخر و ذخایر ارزشمند دزفول است - - سپاسگزاری نمایم. خداوند همواره بر علو درجات این بزرگوار، بیفزاید... چونان گذشته از همکاری های دوست علاقمند آقای حسین نصیر باغبان که با همکاری های خود بر غنای کتاب حاضر افزودند تشکر نمایم. ان شاءالله مأجور باشند.

... در خاتمه، این امیدواری وجود دارد که صاحب نظران بزرگوار؛ بویژه خاندان و احفاد بزرگوار مرحوم حاج ملا حسین خلیفه، تقصیرات سهوی موجود در کتاب را با دیده اغماض بنگرند و نگارنده را برای رفع نقص ها و اشکالات احتمالی چاپ های بعدی یاری فرمایند.

والحمدلله

احمد لطیف پور - آبان ماه ۱۳۹۷ - دزفول

email: eqlime_qalam@yahoo.com